



پیشکسوت المپیک ایران در گفتگو با ایسنا:

شمشیربازی را به بهانه اشرافیت تعطیل کردند/ بهترین اتفاق المپیک انتخاب همسر بود!

ISNA PHOTO
Amirhossein Shahsavari

پیشکسوت شمشیربازی ایران معتقد است که این رشته با بهانه‌های عجیب و غریب مورد بی‌مهری زیادی قرار گرفت و زمانی که شمشیربازان ایران داشتند در دنیا شناخته می‌شدند، این رشته را تعطیل کردند و باعث شدند نسل طلایی ایران از بین برود.

به گزارش ایسنا، شمشیربازی عمر طولانی در ورزش ایران دارد و به همان نسبت هم صاحب پیشکسوتانی است که هر کدام با موفقیت‌های خود، گذشته این رشته را ساخته‌اند. علی اصغر پاشاپور جزئی از این تاریخ دور و دراز شمشیربازی ایران است که روزی به دست گرفتن شمشیر را به بازی در مستطیل سبز ترجیح داد.

او حضور در دو المپیک ۱۹۷۲ مونیخ و ۱۹۷۶ مونترال را تجربه کرده است و در بازیهای آسیایی ۱۹۷۴ تهران که نقطه عطفی برای ورزش ایران محسوب می‌شود، سه مدال طلا، نقره و برنز گرفت.

پاشاپور به همراه همسرش، شهلا صفوی که خود از پیشکسوتان ورزش زنان ایران است، پذیرای ما شد تا هر آنچه بر شمشیربازی ایران گذشته است را از زبان این پیشکسوت ۷۲ ساله به رشته تحریر درآوریم. خوش مشربی و خون گرمی این زوج ورزشکار باعث شد گذر زمان احساس نشود. او حرف‌های شنیدنی برای بازگو کردن داشت هر چند که یادآوری برخی خاطرات گذشته، خاطرش را مکرر می‌کرد و حتی در طول گفت و گو نیز چندین مرتبه به آن اشاره کرد که یادآوری برخی اتفاقات دلش را می‌سوزاند.

ویدئوی این گفتگو را می‌توانید اینجا مشاهده کنید.

در ادامه گفت‌وگوی ۹۰ دقیقه‌ای ایسنا با این پیشکسوت شمشیربازی را می‌خوانید:

ISNA PHOTO
Amirhossein Shahsavari

در مورد خودتان و نحوه ورودتان به شمشیربازی توضیح دهید.

متولد سال ۱۳۲۹ هستم و در یک خانواده تقریباً پر جمعیت به دنیا آمدم و پنج برادر و یک خواهر دارم. از سال ۱۳۴۴ تا ۱۳۴۷ عضو تیم فوتبال راه‌آهن بودم و در سال ۴۷ توسط مرحوم احمد اکبری به سالن شمشیربازی معرفی شدم. من به واسطه پسر خاله‌ام منوچهر شفاهی که خود شمشیر باز بود، معرفی شدم و واقعیت این بود که از روی رودریاستی و قولی که داده بودم به سالن شمشیربازی رفتم. آنجا یک مربی مجارستانی بود که من را جذب کرد و در شمشیربازی ماندگار شدم.

یعنی پیش از این هیچ شناختی از شمشیربازی نداشتید؟

سه‌شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۱ - ۱۰:۳۳ GMT 07:03

به هیچ عنوان. من فقط یک بار شمشیربازی را در دانشگاه تهران دیده بودم که پسر خاله‌ام منوچهر شفاهی و آسپوریان با هم بازی می‌کردند. من نمی‌دانم مربی مجارستانی در من چه دید که هر روز با من تمرین می‌کرد. ۶ روز در هفته از ساعت ۳ بعد از ظهر در یک سالن کوچک که در هفت تیر تهران بود، تمرین می‌کردیم. بعد از هفت ماه تمرین، در کاپ شاهپور شرکت کردم و مقام سوم را به دست آوردم. یادم می‌آید که آن موقع سرهنگ الماسی برایش سوال شده بود که این چه کسی است که در این مسابقات سوم شده است و به او توضیح دادند که من یک بازیکن جدید هستم که از اردیبهشت ماه همان سال شمشیر بازی را شروع کرده‌ام. ۲ ماه بعد نیز در مسابقات قهرمانی جوانان ایران در اسلحه ایه اول و در فلوره دوم شدم که باز هم باعث تعجب رئیس فدراسیون وقت شد. این شروع شمشیربازی من بود و هیچ کسی باور نمی‌کرد که ظرف ۹ ماه یک نفر بتواند به چنین مقام‌هایی برسد. تمام این اتفاقات بخاطر مربی خوب مجارستانی بود. متأسفانه شهریور سال بعد آن مربی مجارستانی را اخراج کردند و به او گفتند ما خودمان بهتر از تو هستیم. سال ۵۲ مدال برنز آسیا را کسب کردم و مهوش شفاهی دختر خاله من توانست مدال طلای آسیا را بگیرد که برای اولین بار بود که در بخش بانوان چنین اتفاقی رخ می‌داد. در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران هم ۳ مدال کسب کردم که در ایه تیمی مدال طلا، در انفرادی فلوره نقره و در فلوره تیمی برنز کسب کردیم.

ابتدا فوتبالیست بودید و پس از اینکه وارد شمشیربازی شدید، فوتبال را به طور کامل رها کردید؟

شمشیربازی حدود ۱۰ سال تعطیل شد و ما ۱۰ سال از دنیا عقب افتادیم این در حالی بود که ما قهرمان آسیا بودیم. شمشیربازی رشته پر مدالی است و این مدال‌ها را از ایران گرفتند.

خدا آقا مدد را رحمت کند. مربی من در تیم فوتبال راه‌آهن بود. سه، چهار مرتبه به سالن شمشیربازی آمد و از من خواست که به فوتبال برگردم. به من می‌گفت که بدنم خوب است و قول می‌دهد که به تیم ملی راه پیدا می‌کنم. شمشیربازی را رها کنم و به فوتبال برگردم و شمشیر بازی برای من نان و آب نمی‌شود. من هم به او گفتم، آقا مدد برای نان و آبش نیامده‌ام و این رشته را دوست دارم. رشته خاصی است. خیلی تلاش کرد که من را به فوتبال برگرداند اما قبول نکردم و برای اولین بار حرف یک پیشکسوت را زمین انداختم و برای همیشه در شمشیربازی ماندم.

غیر از فلوره در ایه هم فعالیت داشتید، درست است؟

من در دو اسلحه ایه و فلوره فعالیت کردم. البته هیچ موقع در ایه درس نمی‌گرفتم بلکه در فلوره درس می‌گرفتم اما رکن اصلی تیم ایه بودم. هر کدام از اسلحه‌های شمشیربازی جذابیت خاص خود را دارند اما من فلوره را بیشتر از بقیه دوست داشتم، چون تعداد فنون و حرکات آن بیشتر بود. ایه محدودیت حرکات دارد و در ساب باید سرعت بازیکن زیاد باشد. من از ابتدا جذب فلوره شدم.



تا چه سالی به عنوان ورزشکار در شمشیربازی حضور داشتید؟

من شمشیربازی را تا انقلاب ۱۳۵۷ ادامه دادم و بعد از آن هم تصمیم گرفتیم که کنار بگذارم با وجود اینکه قهرمان آسیا بودیم و گفتم وارد مربیگری شوم و شمشیر بازی نوین را آموزش دهم. متأسفانه شمشیربازی توسط رئیس وقت سازمان تربیت بدنی تعطیل شد البته نه تنها شمشیربازی بلکه بوکس، شطرنج و سوارکاری هم به همین سرنوشت دچار شدند. شمشیربازی حدود ۱۰ سال تعطیل شد و ما ۱۰ سال از دنیا عقب افتادیم این در حالی بود که ما قهرمان آسیا بودیم. شمشیربازی رشته پر مدالی است و این مدال‌ها را از ایران گرفتند و ما را از ورزش ایران جدا کردند. پس از آن سعی کردیم به هر نحوی شده خودمان را حفظ کنیم اما امکانش وجود نداشت چرا که هر کجا می‌رفتیم، می‌آمدند و در سالن را می‌بستند. بعد از جنگ، مرحوم زرنگار مدت کوتاهی رئیس فدراسیون بود و توانستیم شمشیربازی را دوباره راه اندازی کنیم. پس از آن آقای رحیمی رئیس فدراسیون

شمشیربازی شد که خدا خیرش بدهد خیلی برای شمشیربازی زحمت کشید. سالن شیرودی، وصالی، محمدی و آزادی* گرفته بودند و آقای رحیمی تمام این سالن‌ها را پس گرفت. در یک حرکت انقلابی و کمک گرفتن از همه جا، شمشیر بازی را احیا کرد. بعد از چند سال دوباره مدال‌آوری در آسیا را آغاز کردیم که پسر من پاشا پاشاپور مدال طلا گرفت.

چه زمانی دوباره به قهرمانی جهان برگشتید؟

برای اعلام حضور اینکه ما دوباره به شمشیربازی برگشته ایم، در مسابقات قهرمانی جهان ۱۹۹۰ فرانسه شرکت کردیم که وقتی به آن مسابقات رفتیم، تمام تجهیزات ما قدیمی بود. وقتی تیغه‌های ما را دیدند، خندیدند و گفتند این تیغه‌ها آدمکش است. تیغه‌ها تغییر کرده بود و دیگر نمی شکست و خطری ایجاد نمی کرد.

چهار سال با فدراسیون همکاری داشتید؟

بازی های آسیایی در اصل توانایی های شمشیربازی زنان ایران را هم نشان داد که برای اولین بار بر روی سکوی طلای بازی های آسیایی رفتند.

در سال ۸۳ - ۸۴ از شمشیربازی جدا شدم و دلیل آن هم اختلاف با رییس وقت فدراسیون بود. اصولاً روسای فدراسیون‌ها از جنس آن رشته نیستند و هر کاری دلشان بخواهد انجام می دهند. آن موقع آقای محمد زاده رییس فدراسیون بود که به درد شمشیربازی نمی خورد. من و یکی، دو نفر دیگر از فدراسیون رفتیم. البته آنها برگشتند اما من دیگر به فدراسیون برگشتم. یک روز در مترو با عباس فاریابی برخورد کردم. آقای فاریابی مرد بزرگی است و جزو پنج نفر از قانونگذاران فدراسیون جهانی و رییس کمیته فنی آسیا است. اگر در ورزش ایران بگردید شخصی مانند فاریابی را پیدا نمی کنید.

اما کسی در ایران او را نمی شناسد. اگر همین الان آقای فاریابی وارد وزارت ورزش شود شاید یکی، دو نفر که قبلاً با او برخورد داشته اند، او را بشناسند. در صورتی که شناختن او بسیار مهم است. آقای فاریابی در مترو با من صحبت کرد و به نوعی گفت که دست تنها است و به او کمک کنم و من هم دعوت او را لبیک گفتم و در سال ۱۳۹۵ کارم را در شمشیربازی کرج آغاز کردم.

کارم را ادامه دادم تا اینکه به یک سری مسائل برخورد کردم که در همه جای ورزش وجود دارد. دیدیم با رییس هیات نمی توانیم کار کنیم. یک سال تمام جواب تلفن ما را نمی داد و حتی پایش را در سالن شمشیربازی نمی گذاشت. ما هم گفتیم اگر نمی خواهد کار کنیم بگویید برویم و این طور بود که ما هم رفتیم و کار در شمشیربازی کرج خوابید. ما نیاز به مدیرانی داریم که از جنس آن رشته ورزشی باشند. برای مثال بسکتبال را در نظر بگیرید وقتی آقای مشحون آمد و بسکتبال ایران ششم آسیا شد، برای او کف می زدند اما اواخر کارش شرایط به گونه ای شده بود که اگر اول نمی شد، مورد لعن و نفرین قرار می گرفت. یعنی تیم را به اوج در آسیا رسانده بود و اولین بار این تیم به المپیک رفت. بعد از سرهنگ الماسی روسای فدراسیون ها نتوانستند کاری انجام بدهند تلاش خود را کردند اما نتوانستند چون از جنس شمشیربازی نبودند.



*در بازی های آسیایی ۱۹۷۴ سه مدال گرفتید. اتفاق بزرگی برایتان بود؟

بازی های آسیایی تهران بزرگترین واقعه ورزشی ایران بود. مردم ایران با ورزش آشنا شدند. مردم ایران نمی دانستند واترپلو، شمشیربازی یا شیرجه چه چیزی هستند. ۶ ماه قبل از بازی های آسیایی من و آقای فتحی با هم نشسته بودیم که یک سررسید آنجا بود و من تاریخ حدودی مسابقات فلوره بازی های آسیایی را نوشتم و ادامه دادم که من در این تاریخ قهرمان فلوره بازی های آسیایی می شوم. آقای فتحی هم نوشت من هم در بازی های آسیایی قهرمان می شوم. اما هر دوی ما در آن بازی های آسیایی مدال نقره گرفتیم. می توانم بگویم که کم تجربگی کردم و می توانستم برنده شوم و با نتیجه ۴ بر ۵ به ژاپن باخت.

این بازی های آسیایی در اصل توانایی های شمشیربازی زنان ایران را هم نشان داد که برای اولین بار بر روی سکوی قهرمانی بازی های آسیایی رفتند و نقره و برنز انفرادی را هم گرفتند. تصور می کردیم که هنوز خیلی جا داریم که به سطح بالای شمشیربازی آسیا برسیم اما پس از آن به این باور رسیدیم که ما حتی از آسیا هم فراتر رفته ایم. ما دیگر در آسیا چیزی نمی توانستیم یاد بگیریم و نیاز داشتیم که حتماً به اروپا برویم. اروپایی ها خیلی به ما راه نمی دادند تا اینکه کم کم ما را

شناختند. در مسابقات قهرمانی جهان همیشه در دوره‌های اول حذف می شدیم اما کم کم مرحله به مرحله بالا رفتیم. در واقع زمانی که دیگر داشتیم شناخته می شدیم، تعطیل شدیم. درست بعد از حمله عراق به ایران شمشیربازی را تعطیل کردند و همان موقع که همه باید ما را می شناختند، ناشناخته باقی ماندیم.

۶۶ تعطیلی شمشیربازی چه بلایی سر نسل ورزشکاران آورد؟

وقتی از رییس وقت سازمان تربیت بدنی خواش کردیم که شمشیربازی را تعطیل نکند، پاسخ داد که شمشیربازی ورزش اشرافی است. پدر من کارمند راه آهن بود و نمی دانستم یک اشراف زاده هستم.

با تعطیلی شمشیربازی در واقع نسل طلایی شمشیربازی ایران از بین رفت. این نسل طلایی می توانست یک نسل دیگر را هم جلو بکشد اما این تعطیلی باعث شد که این اتصال قطع شود. مدت زمانی که شمشیربازی دوباره فعالیتش را آغاز کرد، تلاش زیادی کردیم اما خیلی سخت بود تا دوباره بتوانیم آن سکوها و مدال ها را تصاحب کنیم.

* زمانی که شمشیربازی تعطیل شد چه اتفاقی برای وسایل و تجهیزات رخ داد؟

زمانی که شمشیربازی را تعطیل کردند، مهلت ندادند که ما وسایل را جمع کنیم. از رییس وقت سازمان تربیت بدنی خواستیم، فرصتی بدهد که حداقل وسایل شمشیربازی را خارج کنیم و به جایی ببریم که اگر یک زمانی دوباره سالن ها باز شد بتوانیم از آنها استفاده کنیم اما دیدیم همه چیز را به غارت برده اند. کفش های آدیداس شمشیربازی

پای باغبانی بود که داشت چمن های ورزشگاه شیروودی را آبیاری می کرد و اجازه ندادند کفش های شمشیربازی را با خود ببریم. همه چیز به غارت رفته بود. وقتی از رییس وقت سازمان تربیت بدنی خواش کردیم که شمشیربازی را تعطیل نکند، پاسخ داد که شمشیربازی ورزش اشرافی است. خود من پاسخ دادم که پدر من کارمند راه آهن است و نمی دانستم یک اشراف زاده هستم. نفرات دیگر هم عنوان کردند که پدرشان کفاش یا کارمند شرکت نفت هستند و کدام یک از ما اشراف زاده هستیم؟ حرف های عجیب غریب می زدند که اصلا با منطق جور در نمی آمد و ما هم وقتی دیدیم حریفشان نیستیم، دیگر بیخیال شدیم و گفتیم خداحافظ. برخی از بازیکنان حتی نتوانستند وسایل شخصی خودشان را بردارند. به جرات می توانم بگویم که آن موقع میلیون ها تومان تجهیزات شمشیربازی نابود شد. به هر حال همه آنها از پول این مردم تهیه شده بود اما از بین بردند. وقتی به گذشته فکر می کنم خیلی دلم می سوزد. خیلی در حقمان بی مهری کردند.

* زنان شمشیرباز ایران هم به دلیل تعطیلی این رشته از ایران رفتند؟

زنان ما در بازی های آسیایی تهران توانستند برای اولین بار مدال طلای بازی ها را بگیرند. ژیل الماسی، مهوش شفایی، گیتی محبان، مریم شریعت زاده، مریم آچاک و نسرين بدر شمشیربازان سطح بالای ایران بودند. زمانی که شمشیربازی تعطیل شد آنها هم به خارج از کشور رفتند. البته مریم آچاک در اصفهان ماند و به تازگی به خارج از کشور رفته است و در مدتی که بود توانست مربیان خوبی را در بانوان پرورش دهد. اگر شمشیربازی تعطیل نمی شد این بانوان شمشیرباز هم در ایران می ماندند و در این صورت مربیان خیلی خوبی تربیت می کردند.



ISNA PHOTO
Amirhosein Shahsavari Zadeh

* در چه سالی ازدواج کردید؟

در سال ۱۳۵۵ ازدواج کردم. برای اولین بار همسر (شهلا صفوی) را در المپیک مونپخ دیدم. تیم اصفهان قهرمان والیبال ایران شده بود و استاندار وقت به عنوان جایزه تیم را به المپیک مونپخ فرستاده بود تا بازی ها را ببینند. من عضو تیم ملی شمشیربازی در المپیک مونپخ بودم و در ابتدا آنجا همسر را دیدم. برای دیدن دهکده آمده بودند که آنجا همدیگر را دیدیم و یک سلام علیک ساده کردیم اما در المپیک مونترال از او خواستگاری کردم. همسر آقای آدمیت ملی پوش شمشیربازی با خانم من دوست بودند و ما با هم آشنا شدیم. تیم والیبال زنان هما قهرمان ایران شد و دوباره برای پاداش به المپیک مونترال اعزام شدند و آنجا با هم صحبت کردیم و جلوی سالن والیبال از او خواستگاری کردم. بیشتر بخاطر اخلاق و رفتارش جذبش شدم. همسر خیلی با گذشت است و من بی نهایت زندگی ام را دوست دارم. دو فرزند دارم که هر دو در خارج از ایران ساکن هستند. پسر من شمشیرباز بود و اولین مدال طلای بعد از انقلاب را به دست آورد.

خاطره ای از بازی های آسیایی ۱۹۷۴ دارید؟

سه شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۱ - ۱۰:۳۳ GMT 07:03
در المپیک اینکه شکست

خوردیم و نتوانستیم به مدال برسیم، خیلی خاطرات خوبی نیستند فقط یک اتفاق خیلی خوب برای من در المپیک افتاد و آن هم این بود که همسرم را انتخاب کردم.

در بازی های آسیایی تهران باید در اسلحه سابر مدال طلای انفرادی را می گرفتیم. شمشیر منوچهر شقایب پسرخاله من به پهلوی شمشیر باز ژاپنی وارد شد و این اتفاق همه چیز را به هم ریخت. آن موقع تیغه ها خیلی امن نبود و ما فکر می کردیم که شمشیرباز ژاپنی کشته شده است اما خداراشکر زنده ماند و بعد از پزشکان ایرانی هم بسیار تعریف کرد. بعد از آن اتفاق پسر خاله ام که روی پیست بازگشت نمی توانست مبارزه کند و دستش می لرزید در نهایت هم آقای فتحی مدال نقره و پسرخاله من مدال برنز انفرادی را گرفتند. برای من بدترین اتفاق این بود که در فلوره تیمی مدال برنز گرفتیم و غم عالم وارد دل من شد. از آنجا که در انفرادی نقره گرفته بودم خیلی دوست داشتم که در تیمی طلا بگیریم که این اتفاق رخ نداد و نمی خواهم راجع به دلایل آن صحبت کنم.

در اپه تیمی مدال طلا گرفتیم. یادم می آید که در بازی اول مقابل تایلند من بازی نکردم و شکست خوردیم و مرحوم الماسی وقتی وارد سالن شد و دید که ما شکست خوردیم فریاد می زد که چرا من بازی نکرده ام و گفتم ترکیب تیم را مربی می چیند. ما در بازی دوم ژاپن را شکست دادیم و بعد حساب کردیم که اگر در بازی بعدی چین را با ۱۲ برد شکست دهیم، می توانیم قهرمان شویم و در نهایت هم با نتیجه ۱۲ بر ۴ چین را شکست دادیم و قهرمانی را به دست آوردیم. تیم بانوان ما هم برای اولین بار بر روی سکوی اول بازی های آسیایی رفت که خاطره بسیار شیرینی است. همیشه اولین ها بسیار خاطره انگیز هستند.



*از المپیک هم خاطره ای دارید؟

من در دو المپیک مونیخ و مونترال شرکت کردم. المپیک مونیخ که مانند رویا بود و خیلی چیز زیادی یادم نمی آید. خیلی برای المپیک مونیخ آماده نبودم و از پادگان آدمم و در انتخابی تیم ملی شرکت کردم و انتخاب شدم. تمرین زیادی هم برای المپیک نداشتم. در واقع می توانم بگویم که عظمت المپیک من را گرفته بود اما در المپیک مونترال خیلی راحت بازی کردم و خیلی خوب تلاش کردم اما خب نتوانستم راه به جایی ببرم. در المپیک اینکه شکست خوردیم و نتوانستیم به مدال برسیم، خیلی خاطرات خوبی نیستند فقط یک اتفاق خیلی خوب برای من در المپیک افتاد و آن هم این بود که همسرم را انتخاب کردم. یکی از اتفاقات خوب المپیک این است که همه ورزشکاران رشته های مختلف با هم آشنا می شوند. من با تیمور غیائی و رضا انتظاری در المپیک مونیخ آشنا شدم.

*چرا خیلی از ورزشکاران تحت تاثیر جو المپیک نمی توانند بازی های خود را انجام دهند؟

ورزشکاران بالاترین آمادگی خود را در المپیک دارند و از طرفی تعداد ورزشکاران هم کم است و به نوعی تنها نخبه ها در بازی های المپیک حضور دارند. از این رو بازی کردن مقابل نخبه ها شرایط خاص خودش را دارد. المپیک با دیگر مسابقات کاملاً متفاوت است و حتی "پوش" بازیکن آلمانی که قهرمان المپیک بود، وقتی از او پرسیدم که چرا در المپیک اول نشد، پاسخ داد که المپیک است دیگر. امیدوارم که بازیکنان ما هم بتوانند رشد کنند و جزو بازیکنان خاص شوند و روی سکوی المپیک بروند.

*چرا اکثر پیشکسوتان شمشیربازی خانه نشین هستند؟

به مدیریت برمی گردد. اصولاً روسای فدراسیون ها وقتی که پیشکسوتان یا افراد نخبه ایرادی می گیرند و می گویند فلان مسیر اشتباه است، زیر بار نمی روند. آنها تنها کسانی را می خواهند که هر چه می گویند را انجام دهند و پیشکسوتان هم وقتی می بینند به نکاتی که می گویند توجه نمی شود به خانه هایشان می روند. هر کسی که رییس فدراسیون می شود، باید نخبه های شمشیربازی را جمع کند و از آنها سوال کند. باید بپرسد که چه کار باید انجام دهد نه اینکه وقتی چیزی از شمشیربازی نمی داند بگوید که من می خواهم این کار را انجام بدهم. اولین رییس سازمان تربیت بدنی بعد از انقلاب آقای شاه حسینی بود

که در اتاقش همیشه باز بود. یک روز به سالن شمشیربازی آمد و گفت من نمی‌دانم شمشیربازی چیست. و بوکس چگونه پیشرفت می‌کنند و شما برنامه بدهید و آن را عملی کنید و من تامین تان می‌کنم. تنها کسی بود که این گونه برخورد کرد. بقیه نفرات فقط گفتند من می‌خواهم فلان کار را انجام بدهم در حالی که من وجود ندارم و ما هستیم. زمانی که ما باشیم می‌توانیم پیشرفت کنیم اما زمانی که بحث من وسط بیاید پشرفت خواهیم داشت.

*در مورد دوران مربیگری تان نیز صحبت می‌کنید؟

اولین شاگردم حامد صداقتی در اسلحه ایه بود که در رده های نوجوانان و جوانان و بزرگسالان ایران مقام داشت. بازیکن تمام عیاری در اسلحه ایه بود. یک شاگرد به نام وحید پارسافر در فلوره داشتم که متأسفانه بعد از آن رفت. زمانی که مربی تیم ملی شدم طبق گفته خود بازیکنان موفق بودم. در کرج از صفر با بازیکنان کار کردم و توانستم تعدادی را به سطح ملی برسانم. در دورانی که مربی بودم، امکانات نمی‌دادند و خود من امکانات را برای شمشیربازان فراهم می‌کردم. من اصغر پاشاپور حقوق نمی‌گرفتم و رایگان کار می‌کردم و این را همه اهالی شمشیربازی می‌دانند. من مربی، مدیر تیم های ملی و مسئول کمیته فنی فدراسیون بودم و در کنار آقای آساطوریان کار می‌کردم. آقای آساطوریان خیلی برای شمشیربازی زحمت کشید. یک فدراسیون کاملاً موفق بودیم و دومین فدراسیون نمونه ایران شدیم. فدراسیون والیبال به این دلیل اول شد که در تقویم خود دو برنامه بیشتر از ما داشت. پس از آن کم کم مشکلات و اختلافات شروع شد و من دیگر نتوانستم در فدراسیون دوام بیاورم.

برای برگزاری مسابقات مشکلات زیادی داشتیم امکانات و وسایل نداشتیم. خوابگاه درست و حسابی نداشتیم اما بازهم خدا پدر آقای رحیمی را بیامرزد که در ورزشگاه شیرودی یک خوابگاه برای شمشیربازی درست کرد تا بازیکنان در آنجا اسکان پیدا کنند. خیلی از مشکلات به شخص برمی‌گشت و نمی‌توان گفت که سیستم ورزش خراب بود. ورزش داشت راه خودش را می‌رفت. چرا کشتی و بوکس پیشرفت داشتند؟ شمشیربازی تا زمان آقای رحیمی خوب بود. امکانات در اختیار ما نمی‌گذاشتند. بعداً فهمیدم به اسم من مربی تیم ملی حقوق رد می‌کردند و حالا خدا می‌داند چه‌کسی می‌گرفت.

«سما گفتید یکی از دلایل موفقیت تان این بود که مربی خوب داشتید. الان وضعیت شمشیربازی از لحاظ داشتن مربی خوب چگونه است؟

مشکلی که در شمشیربازی وجود دارد یکی وسایل و تجهیزات شمشیربازی گران است و وزارت ورزش برای واردات وسایل شمشیربازی کاری نمی‌کند و دیگری بحث کمبود مربی است.

در ایران تعداد مربیان خوب ما انگشت‌شمار هستند. در بخش بانوان مربیان خوب داریم اما مربی سطح بالا و به اصطلاح TOP نداریم. در بخش مردان هم تعداد کمی داریم که این کافی نیست و نیاز داریم که حداقل ۱۰۰ مربی خیلی خوب در ایران داشته باشیم. ببینید شمشیربازی مانند رشته‌های تیمی نیست که یک مربی ۳۰ نفر را آموزش بدهد. در شمشیربازی هر بازیکن یک مربی می‌خواهد. اگر برای همه بازیکنان یک مربی بگذارند، مربی نفر اول و دوم را آموزش دهد برای نفر سوم دیگر انرژی ندارد. نکته ای که هست باید مربیان ما هم علاقه‌مند باشند. در دوره های مربیگری شرکت کنند و یا اگر از چیزی اطلاعی ندارند از مربیان خوب ما سوال کند. در حال حاضر هم مربیان کاربلد داریم مانند حامد صداقتی، مهدی فرجی در ایه، فاریابی، رضایی، کیومرث طلوعی، آساطوریان که خارج از کشور است، یعقوبیان، قربانی. اما باید تعداد مربیان خوب و کاربلد بیشتر شود.



*شمشیربازی قدمت زیادی در ایران دارد اما چرا جامعه آن به نسبت کوچک است؟

شمشیربازی قبلاً در شش - هفت استان فعال بود اما الان گسترش زیادی پیدا کرده است. با این حال مشکلی که در شمشیربازی وجود دارد یکی وسایل و تجهیزات شمشیربازی گران است و وزارت ورزش برای واردات وسایل شمشیربازی کاری نمی‌کند و دیگری بحث کمبود مربی است. ما نیاز داریم که تعداد مربیان ما در هیات های استانی زیاد شود و حداقل هر استان ۱۰ مربی داشته باشد اما چنین چیزی نیست. در کرج ما دو مربی داریم یا در استان اصفهان چهار مربی داریم و این تعداد کم هستند. در استان گلستان یک مربی خانم داریم که با حداقل امکانات دارد کار می‌کند. حداقل چهار مربی دیگر مانند خودش در کنارش نیاز دارد تا بتواند تیم را درست کند. در یک برهه ای مجبور شدیم که هفت مربی خارجی از کشورهای تازه استقلال

یافته شوروی بیاوریم و آنها روی هم ۳۵۰۰ دلار حقوق دریافت می‌کردند. یک مربی هم از آذربایجان آوردیم به نام شاهروردی که چهار سال اول کار مجتبی عابدینی با این مربی آذربایجانی بود. او تیم خیلی خوبی ساخت و تغییرات عمده‌ای در بازی نفراتی چون پیمان فخری و پسر شاه پاشاپور، سیف زاده، شیخ الاسلام و درویشی ایجاد کرد و آنها را واقعا ارتقاء داد.

*فرزندان تا چه سنی شمشیرباز بود؟

پسر من تا ۲۱ سالگی شمشیربازی کرد. او دانشجوی تربیت بدنی دانشگاه تهران بود که تصمیم گرفت انصراف دهد و پذیرش از دانشگاه انگلیس گرفت. به آنجا رفت و در رشته کامپیوتر تحصیل کرد و دیگر آنجا ماندگار شد. او دیگر فقط یک دوره مربیگری شرکت کرد که البته گفته بودند که هیچ چیزی ندارند که به او آموزش بدهند چرا که همه چیز را بلد است. پسر من زیر نظر مربیان کاربلدی چون آقای فتاحی و اکتای شاه وردیف آموزش دیده بود و تمام تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها را بلد بود.

*مربیان خارجی چقدر در پیشرفت شمشیربازی ایران تاثیر گذار بودند؟

قبل از بازی‌های آسیایی تهران یک مربی به اسم یوری ویچکف برای سابور آمد که می‌توانم بگویم پدر سابور ایران است. مربی خیلی کاربلدی بود و خیلی به ایران کمک کرد. بعد از بازی‌های آسیایی مربی من هم شد و من تازه آن موقع متوجه شدم که شمشیربازی چه چیزی است و اگر قبل از بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ هم از او درس می‌گرفتم قطعا می‌توانستم مدال طلا بگیرم. من برای بازی‌های آسیایی زیر نظر یک مربی روس کار می‌کردم که مربی زحمت کشی بود اما خیلی از لحاظ تکنیک و تاکتیک سطح بالا نبود. من از ویچکوف درس‌های زیادی گرفتم همچنین بیژن زرنگار و شاپور زرنگار هم زحمت زیادی برای من کشیدند و آنها نیز به گردن من حق دارند.

۶۶ *حکمر می‌کنید برای پیشرفت یک رشته چه چیزی لازم است؟

خاطراتی دارم که دلم را می‌سوزاند اما می‌خواهم بدانید که ما با چه کسانی در ورزش طرف بوده ایم.

همه چیز به مدیریت و اقتصاد برمی‌گردد. اگر شما پول داشته باشید، یک زمین مناسب پیدا می‌کنید و یک خانه خیلی زیبا می‌سازید اما اگر پول نداشته باشید یک زمین پرت پیدا می‌کنید و یک چیزی سر هم می‌کنید فقط برای اینکه سقفی بالای سرتان باشد. قضیه ورزش هم همین است. ورزش زمانی می‌تواند پیشرفت کند که مدیریت ایده آل و بودجه مناسب داشته باشد. زمانی که بودجه کل ورزش ایران ۴۰ میلیارد تومان بود، بودجه شمشیربازی فرانسه ۱۲۰ میلیون دلار بود و شمشیربازی فرانسه در المپیک سیدنی شش مدال به دست می‌آورد. حالا بهترین مدیر هم داشته باشیم با این بودجه چه کار می‌تواند در ایران انجام دهد؟ آقای هاشمی طباطبائی مدیر خوبی بود اما وقتی پول نبود چه کار می‌توانست انجام دهد. آقای هاشمی طباطبائی خوبی برای ورزش ایران گذاشت و آمادگی جسمانی را وارد ورزش ایران کرد.

ما وقتی سالن نداریم چگونه می‌توانیم ورزش را گسترش دهیم؟

*از بازی کدام شمشیرباز ایرانی لذت می‌برید؟

در اسلحه سابور از بازی مجتبی عابدینی، پاکدامن، رهبری، فتوحی و فرزاد باهر خیلی لذت می‌برم. در ایه بازی محمد رضایی را دوست داشتم. در برهه ای که مربی و مدیر تیم‌های ملی بودم او را انتخاب کردم که به مسابقات نوجوانان و جوانان آسیا برود. آقای محمدزاده که رییس فدراسیون بود نام او را خط زد. از او پرسیدم چرا نام او را خط زده ای؟ گفت که تعداد نفرات زیاد است. گفتم با چه علمی کسی که مدال می‌گیرد را خط می‌زنی. گفت، چه کسی گفته او مدال می‌گیرد. گفتم من مربی می‌گویم مدال می‌گیرد و من می‌فهمم و باید بر اساس برنامه من پیش بروی، چه زمانی می‌خواهی این را بفهمی و این جملاتی بود که بین ما رد و بدل شد. به او گفتم اگر این بازیکن اعزام نشود برای ابد این فدراسیون را ترک می‌کنم. در نهایت او را فرستاد و در هر دو رده نوجوانان و جوانان مدال گرفت. وقتی برگشتیم به محمد زاده گفتم حالا متوجه شدی شما شمشیربازی را نمی‌فهمی.

خاطراتی دارم که دلم را می‌سوزاند. تیم را برای مسابقات چین آماده کردیم که محمد زاده نام یک بازیکن فلوره را خط زد وقتی از او پرسیدم چرا چنین کاری کرده گفت پول نداریم. گفتم پول ندارید چرا تیم را ناقص می‌کنی. من قرار بود به عنوان مربی اعزام شوم و گفتم اسم من را خط بزن و او را ببرید. گفت باشد و هم نام من را خط زد و هم آن بازیکن را اعزام نکرد. می‌خواهم بدانید چه کسی را رییس فدراسیون گذاشته بودند و ما با چه کسی طرف بوده ایم.



ISNA PHOTO
Amirhosein Shahsavari

*تابلو زیبایی پشت سر شما است که آن هم تصویری از شمشیربازی است. GMT 07:03 / سه‌شنبه ۱۳ دی ۱۴۰۱ - ۱۰:۳۳

این تابلو را دوست عزیزم آقای کیومرث طلوعی کشیده است. او شمشیرباز و مربی خوبی است و مدتی هم مربی کویت شد و از هر انگشتش یک هنر می بارد. همچنین ماهیگیر و خیاط خوبی بود. کارمند پلی اکریل بود و زحمت زیادی کشید و بازیکنان خوبی پرورش داد. در بازی های آسیایی تهران هم حضور داشت.

انتهای پیام



📧 خبرنگار آتنا خلیلی | 📧 دبیر علی فیض آسا

لینک کوتاه

isna.ir/xdMFRc

📌 برچسب‌ها: شمشیربازی تاریخ شفاهی ورزش ایران

اخبار مرتبط

- ◉ ناگفته‌های حمید فتحی از شمشیربازی ایران در گفت‌وگو با ایسنا
- ◉ شمشیربازی را ۹ سال تعطیل کردند! / طلای آسیایی را از من گرفتند
- ◉ دیدار با تنها المپین ژیمناستیک زنان ایران
- ◉ خاطره به یادماندنی دیدار دختر ژیمناست ایران با تختی در المپیک توکیو
- ◉ در گفت‌وگو با اسماعیل داودی شمسی مطرح شد
- ◉ پشت‌پرده نفتن ایران به المپیک لس‌آنجلس / ماجرای جنجالی کشتی با حریف صهیونیستی!
- ◉ با ستاره نامدار ۴ نسل بسکتبال ایران
- ◉ جدایی تلخ پدر از پسر بخاطر تیم ملی / صادق‌زاده: از تهران تا بانکوک دنبال شیرخشک بودم!

بازارگردی

سفارش به چاپخانه - محاسبه آنلاین چاپ و	بدون سرمایه ساعتی ۴۲ هزار تومان درآمد داشته	ماهیارنه ۳۰ میلیون درآمد داشته باش	خرید جامع‌ترین دوره آموزشی شخصیت شناسی
بهترین دوره آموزش آنلاین انگلیسی مخصوص	خرید بهترین شیرهای قطع کن با پایین ترین	خرید بهترین شیرهای توپی با پایین ترین	خرید بهترین شیرکشویی ها در سایت اینرژری با
اجاره سوئیت های ارزان و	یه سوئیت باصفا در جزیره	درمان فوری زانو درد!!	عمل زانو ممنوع! با این

بسته‌های مکالمه جدید و هدیه‌ساز

موضوعات داغ روز

استانی-ورزشی | پله (فوتبالیست) | تیم فوتبال استقلال تهران | تیم فوتبال لیورپول انگلیس | لیگ برتر فوتبال ایران | ژیمناستیک

تیم ملی فوتبال برزیل | تیم فوتبال تراکتور

نظرات

ایستگاه ۱۳ دی ۱۴۰۱ - ۱۰:۳۳ GMT 07:03

نظر شما

نام

لطفا عدد مقابل را در جعبه متن وارد کنید

7994

ارسال

📅 ۱۷-۰۸-۱۴۰۱ ۱۲:۴۹

زهرا



بسیار عالی بود. چقدر خوبه که سراغ پیشکسوتای رشته‌ها می‌رید. خسته نباشید به خانم خبرنگار و ایسنا.

↩ پاسخ

استانی-ورزشی پله (فوتبالیست) تیم فوتبال استقلال تهران
تیم فوتبال لیورپول انگلیس

آخرین اخبار

کازمی قمی: سردار سلیمانی در دیپلماسی، میدان و شهادت الگویی دست یافتنی اما سهل ممتنع بود

۱ دقیقه قبل

انجام ۱۵۴ میلیون بازدید از مقاله‌های مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

۱ دقیقه قبل

سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس: شهید سلیمانی مخالف ایجاد چند دستگی بین مردم بود

۲ دقیقه قبل

بیدوف نیامده از ذوب‌آهن جدا شد!

۶ دقیقه قبل

لزوم ایجاد سامانه‌ای برای نیازسنجی مدارس و خیرین مدرسه‌ساز

۶ دقیقه قبل

بولتون: ضعف غرب می‌تواند به پوتین اجازه دهد تا از شکست، پیروزی بسازد

۷ دقیقه قبل

نگاهی به ارزش ارزهای برتر جهان در سال جدید

۱۲ دقیقه قبل

انتخابات بدمینتون احتمالا اسفند برگزار می‌شود

۱۴ دقیقه قبل

مراسم بزرگداشت «سردار شهید» ساعت ۱۴ امروز در مصلی تهران

۱۵ دقیقه قبل

پیش‌بینی رکوردشکنی تاریخی بورس

۱۵ دقیقه قبل

رئیس اتحادیه علمای اهل سنت عراق: شهیدان سلیمانی و المهندس فرزندان اسلام بودند

۱۷ دقیقه قبل

تاکید العامری و الحکیم بر تعیین اولویت‌های دولت عراق

۱۸ دقیقه قبل

فراخوان جذب پژوهشگر پسادکتری در پژوهشکده علوم و فناوری‌های انرژی، آب و محیط زیست

۱۸ دقیقه قبل

نظام تعلیم و تربیت باید پرورش‌دهنده سرمایه‌هایی مانند سردار سلیمانی باشد

۱۸ دقیقه قبل

مشارکت ۳۰۰ هزار نفری تهرانی‌ها در طرح «من شهردارم»/ تمدید اجرای طرح تا ۲۰ دی

۱۹ دقیقه قبل

آخرین اخبار

آخرین اخبار استانها

آخرین اخبار استانها

پربازدیدهای ایسنا

لینکستان



آرشیو | خط مشی | درباره ایسنا | تماس با ایسنا

نرم افزار تحریریه نستوه



خط

مشی

© 2022 Iranian Students' News Agency. All rights reserved